

در گذر سینما

نویسندگان: دکتر بهار سینمای نوین ایران - ۱

پرویز صدی مقدم

انتشارات فرهنگ و سینما

۱۳۹۷

DAR GOZARE CINEMA

(In cinema through the ages)

Parviz Samadi Moghaddam

www.parviz.samadi.moghaddam.com

©2018 Farhang Va Cinema Press

Cultureandcinema@gmail.com

Tel/Fax: +989365077765 Tehran-Iran

ISBN: 978-964-7968-47-8

نام کتاب: در گذر سینما

نویسنده: پرویز صمدی مقدم

طراح جلد: پارسا امین

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

چاپ اول: ۱۳۹۷ هجری

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۷۹۶۸-۴۷-۸

همه حقوق متعلق به نویسنده محفوظ است.

www.parviz.samadi.moghaddam.com

فرهنگ و سینما: تهران تألیف: ۹۳۶۵۰۲۷۳ و ۶۶۷۱۷۳۰۰

Cultureandcinema@gmail.com | ۳۵۰۰ تومان

سرشناسی: صمدی مقدم، پرویز، ۱۳۳۱ -

عنوان و نام پدیدآور: در گذر سینما - ۱ / پرویز صمدی مقدم.

مشخصات نشر: تهران: فرهنگ و سینما، ۱۳۹۷.

مشخصات ظاهری: ۳۴۵ ص.

فروست: نوشتارهایی درباره سینمای نوین ایران

شابک: ۳۵۰۰۰۰ ریال ۸-۴۱-۷۹۶۸-۹۶۴-۹۷۸-

وضعیت فهرست نویسی: فیا

موضوع: صمدی مقدم، پرویز: ۱۳۳۱ - - خاطرات

موضوع: سینما - - ایران داستان‌های کوتاه فارسی - -

قرن ۱۴

موضوع: Motion picture--Iran

رده‌بندی کنگره: PIR ۱۳۹۷ / ۳ / ۸ / ۳ / ۱۹۹۸

رده‌بندی دیویی: ۷۹۱ / ۴۳۰۲۳۳۰۹۲

شماره کتابشناسی ملی: ۵۲۳۳۸۱۱

فهرست

۹	پیش‌گفتار
	سینمای جوان - دهه ۶۰
۱۶	سینمای جوان - دهه ۶۰
۳۷	جشنواره سینمای جوان
۶۴	از فیلم کوتاه تا فیلم بلند
۷۶	پیه‌ها، باغ فردوس
۹۷	نه‌لان، تناور، شه در جایگاه حرفه‌ای سینما
	داستان یک مامان
۱۰۲	از آغاز
۱۴۵	یک نشریه مستقیم و بولف
۱۴۹	انجمن منتقدان و نویسندگان سینمایی
۱۵۵	تولد یک انجمن خوب
۱۶۳	انجمنی که من دوست داشتم
۱۸۵	داستان انجمن نشریات سینمایی
	سرآب‌ها و واقعیت‌ها
۲۰۰	فرهنگ یا اقتصاد، زیربنا کدام است؟
۲۰۵	فرهنگ، نوآوری و آشتی مردم
۲۱۱	هویت هنر، اصالت هنرمند
۲۲۱	اخلاق در سینما
۲۳۳	رابطه فیلمساز و منتقد
۲۴۴	سینما و انواع فیلم‌هایش
۲۵۲	سینما - سال‌های دور، دوران نو
۲۵۷	چرا هنر و تجربه
۲۶۷	بزرگراه مستند
۲۸۱	نفوذ نگرش ژورنالیستی در سینما
۲۸۷	سینما متأثر از ژورنالیسم

جستاری در نامگذاری فیلم‌ها ۲۹۰

چند نوشتار ۲۹۳

یادداشت‌های جشنواره‌ای

ما و ده‌ها جشنواره ۳۱۷

جشنواره برای سرگرم شدن نیست ۳۲۳

جشنواره‌ای یک جشنواره ۳۲۹

بازیگری ایرانی

دستاوردهای بزرگ سینمای ایران ۳۳۵

بازیگران و ساختار ۳۳۸

چهار سوار سرخ ۳۴۶

www.ketaboo.ir

پیش‌گفتار در گذر سینما

از وقتی خودم را شناختم می‌دانستم که جز در وادی هنر و ادبیات نخواهم زیست. اما در کدام رشته خاص، ادبیات، سینما، تئاتر، مطبوعات، هنرهای تجسمی یا به طور کلی در حوزه پژوهش و امور فرهنگی؟ نمی‌دانم این بخت من برد یا بیرری درونی مهارنشده‌ایم که مرا کمابیش به همه این رشته‌ها کشاند. گویا با بخشی و خطاطی گذراندم. بعد عکاسی کردم که هنوز هم محبوب‌ترین رشته هنرهای تصویری برای من است. در درس انشا نمره‌های عالی می‌گرفتم اما تمرگاه‌ها هم از بس وضع تدریس و مدیریت آموزش و پرورش عجیب و غریب بود. دو سه بار نزدیک بود در این درس تجدید شوم. کارنامه‌های دوران دبستانم هم نمرات خوبی را در دروس انسانی نشان نمی‌دهند. در ده سالگی اولین شماره مجله‌ام را در شمارگان ده جلد منتشر کردم و دانه‌ای دو ریال به‌زور به خواننده‌ام فروختم. در دبیرستان به دلیل بیهودگی رفتارها و بی‌تجربگی و اتلاف وقت سرخوردگی به قدری زیاد بود که ناچار در سال آخر دبیرستان را ترک تحصیل کردم و شبانه شاگرد اول شدم و یک ضرب دیپلم گرفته و وارد دانشگاه شدم. زبان فرانسه خواندنم هم به دلیل وضع آشفته و بسیار بدی که آموزش زبان انگلیسی در مدارس داشت و بخشیدن عطای انگلیسی خواندن به لقایش بود.

اما هرگز فکر نمی‌کردم در تمام زمینه‌هایی که برشمردم حضوری جدی و حرفه‌ای داشته باشم و به‌زعم خود کار را تمام کنم. درست با انقلاب

اسلامی من حیات رسمی فرهنگی خودم را آغاز کردم و شروع آن، نوشتن خاطرات دو سال دوران سربازی بود در مرکز آموزش نیروی زمینی که چشمان مرا به دنیا جور دیگری باز کرد. در اوایل، هدفم ادامه تحصیل در کشور فرانسه بود. به همین منظور با سختی بسیار و موفق شدن در آزمون‌های اعزام دانشجو به خارج که در خود سفارت فرانسه و بسار خنگیارانه برگزار شد، پذیرش دکترای جامعه‌شناسی دانشگاه استراسبورگ را دریافت کردم و از همین جا بر سر دوراهی بزرگ زندگی قرار گزیدم؛ بمانم یا بروم؟ و نرفتم. دلایل فراوان است، یکی اینکه من زاده این فرهنگ و آیین بودم و این خاک را مقدس می‌دانستم و عشق به سرزمینم تا ده‌ها سال بعد مرا برای زیستن و ماندن، مرا زنده نگه داشته است. بعدها که به کشورهای دنیا سفر کردم یافتم که انتخاب درست همان ماندن بود هرچند از بسیاری مانع مای و بلکه معنوی محروم شدم، اما زیستم، هرچند بسیار سخت، اما همان‌گونه که خود می‌خواستم و برای آن زاده شده بودم.

آغاز بیش از سه دهه من در حوزه فرهنگ را سینما در سال ۱۳۶۱ در شبکه یک صدا و سیما بود. طی چهار سال در این شبکه تمام تجربیات رسانه‌ای و سینمایی ممکن را یافتم: سریال‌سازی، تئاتر، پژوهش، نقد و مقاله‌نویسی، تولید، نویسندگی، فیلمسازی، دوبلاژ، مدیریت فرهنگی و... پس از آن در آغاز سال ۱۳۶۵ تجربیات منحصر به فردی را پیدا کردم که عبارت بود از پایه‌گذاری، برنامه‌ریزی و اجرای طرح برگزاری جشنواره‌های سینمای جوان (فیلم کوتاه) با هدف گسترش فرهنگ سینما و کشف استعداد های جوان که تا سال ۱۳۷۰ ادامه یافت و در این سال‌ها ده‌ها جشنواره را طراحی، اجرا و هدایت نمودم. سپس همزمان با شروع انتشار

ماهانامه فرهنگ و سینما به کار حرفه‌ای تحقیقات سینمایی و مدیریت در این زمینه در معاونت سینمایی وزارت ارشاد پرداختم که به‌رغم سختی‌ها و موانع زیادی که بر سر راهم بود، از آن کار هم لذت فراوانی بردم. حاصل این مدیریت چندساله ده‌ها کار پژوهشی بدون تخصیص بودجه تنها با همکاری کارمندان سایسته این مرکز و نیز دیگر کار پژوهشی‌ام در سمت مدیریت در بزرگ‌ترین و تنها برنامه آمارگیری فرهنگی کشور در سال ۱۳۸۰ بود که آن را اوج لذت بردن از کار پژوهش فرهنگی می‌دانم و شاید شرح آن را که بسیار آموزنده است در یک کتاب برای آیندگان به یادگار بگذارم.

هرگز در باور نمی‌گنجید که بیش از بیست و هشت سال موفق به انتشار مجلات سینمایی و ادبی می‌شوم و توانستم قریب به چهار صد شماره مجلات فرهنگ و سینما، سینمای ایران، گوشه و کنار و پایزه را منتشر کنم. و سر آخر به عشق بزرگ و بی‌هم‌ای خود یعنی داستان و رمان‌نویسی روی بیاورم و سرانجام تمام آرزوهای منم آنکه در این حوزه جمع شده بود تحقق بخشم. اکنون به جایی رسیده‌ام که به گمانم مهمترین وظیفه زندگی باقی‌مانده‌ام را ادا کنم؛ شرح خاطرات زندگی و به یادگار گذاشتن تجربیاتی برای آیندگان این سرزمین که به خاطر ستم‌ها ماندم و سختکوشانه کار کردم.

بهتر این بود که از خودم نمی‌گفتم و اینها را به قلم کسانی که مرا می‌شناختند می‌خواندید بلکه مرهمی می‌شد بر زخم‌های فراوانی که بر جسم و روحم نشسته و هنوز التیام نیافته‌اند، هرچند خود را بخشنده‌تر و فرانگتر از آن می‌دانم که به این زخم‌ها اعتنایی کنم.

بخش خاطرات و دل‌نوشته‌ها و عقاید و... که همه از سر دلسوزی و علاقه به مردم به نگارش درآمده‌اند را سال‌هاست که در مجله پی‌گرفته‌ام و کار

تازه‌ای نیست اما در حوزه کتاب، شروعی تازه دارند. اولین کتاب، تافته سوابافته (درباره مطبوعات مستقل و مولف) بود که در سال ۱۳۹۶ منتشر شد و به اوضاع مطبوعات به بهانه تغییر و تحولات تازه در دهه نود می‌پرداخت. در آثار تازه، به سه کتاب عمده با عنوان‌های "رمان ایرانی"، "فیلم ایرانی" و "نقد ایرانی" می‌پردازم و عقاید و تجربیات خود را به همراه پیش‌پا‌دهایم در این کتاب‌ها خواهم آورد.

در آثار دیگر با عنوان "در گذر سینما" به موضوع‌های مختلف موضوعی، اشخاص، تلویزیون و مطبوعات می‌پردازم که به تدریج چاپ خواهند شد. اولین شماره این بن‌درخت تناور به چند موضوع در حوزه‌های سینما و مطبوعات پرداخته است.

این تذکر را بدمم با وجودی که در تمام زمینه‌هایی که کار کردم در اندازه و مقیاس مدیریتی پژوهشی برده‌اند، هرگز اعتقادی به پست و عنوان نداشته‌ام و شرایط کشور مردم را نه رسیدن به مقصد و تقسیم ارث و میراث که آغاز راه و ساختن می‌انستم و هنوز می‌دانم. سهم‌خواهی و جای و جایگاه‌طلبی دردی از ما و این مماثلت با نمی‌کند و خوشحالم که شرح کاملی از این روحیه خود و آثار فریب‌ناپذیرم، مخرب جاه‌طلبی و مقام‌خواهی را در کتاب "شرم" (۱۳۸۶) شرح داده‌ام.

با این قرار با خودم و با تعهد اخلاقی که داشتم، بر آن شدم تا بخش‌هایی از خاطرات سینمایی‌ام را مکتوب کنم و بنا را گذاشتم بر این که بیشتر، از آشنایی‌ها، برخوردها، اندیشه‌ها، تصمیم‌ها، رفتارها و نتیجه‌ها بگویم. در جلد دوم این مجموعه از سینماسازان و سینماگرانی خواهم گفت که به نظرم برای این سینما سخت کار کردند و یاد و خاطره‌شان باید که ماندگار شود.

برای آشنایی بیشتر خوانندگان با عنوان‌هایی که برای افراد و موضوع‌های مطرح‌شده برمی‌گزینم باید بگویم که اعضای خانواده بزرگ سینما را بنا بر نقش پررنگتری که هر یک در سینما داشته‌اند، به گروه‌های مختلف تقسیم کرده‌ام و تنها به افراد و موضوع‌هایی می‌پردازم که در تمام عمر حرفه‌ای خود در حال ساختن و شکل‌دادن و پی‌ریختن و کارکردن برای فرهنگ و سینمایی که به آن تعلق داشته‌اند بوده‌اند. افسوس که ما بیشتر به بهره‌برداری و میراث‌خواران توجه داریم و از نقش حساس و پراهمیت سازندگان، تلاشگران راستین سینما غافلیم.

همان‌گونه که در سالور یاد آمد، بنایم بر این بود که بامناسبت یا بی‌مناسبت درباره هر یک بنویسم. با این روش که شخصیت افراد را با شخصیت سینما آمیخته‌گردانم و از سینمایی سخن بگویم که حاصل کنش‌ها و اندیشه‌های مردمان بر روی آنست که این سینما خود، آنها را پرورانده و از مرام و هنر و شخصیتشان بهره گرفته است.

این را هم یادآور شوم که مرا هنوز با خاطرات سی‌ارزش و فراوان مگسانی که سال‌هاست در این آسمان آبی روشن جوانی من می‌دهند و گاه آن را تیره و تار می‌سازند، کاری نیست هرچند دل پری از همه‌ساز دارم. خاطرات، تلخ و شیرین‌اند. بعضی را می‌شود امروز گفت و بعضی دیگر را بهتر است برای فردا بگذاریم. اما این نوشته‌ها را همان‌طور که با آشنایی‌ها، همکاری‌ها و ارتباط‌های دور و نزدیک آغاز کرده‌ام، همچنان ادامه می‌دهم. هرچند تا حدودی شخصی خواهند بود و اگر فایده‌ای نداشته باشند، امیدوارم اگر نه مفید، دست‌کم سرگرم‌کننده باشند.

پرویز صمدی مقدم